خبر

سفر نخست‌وزیر مستعفی انگلیس به یونان واکنش‌هایی به همراه داشته است

جانسون در تعطیلات

حضور بوریس جانسون، نخست وزیر مستعفی انگلیس به همراه همسرش در یونان که در حال گذراندن تعطیلات هستند، واکنش‌های زیادی در این کشور به همراه داشته است. پس از آن‌که جانسون در حال خرید از سوپرمارکتی در یونان دیده شد، حزب کارگر انگلیس وی را متهم کرد آخرین هفته‌های زمامداری‌اش را همچون یک مهمانی بزرگ می‌گذراند. رسانه‌های خبری یونان گزارش دادند که جانسون و همسرش در یک شهر ساحلی در نزدیکی آتن هستند که تنها چند ساعت از مکانی که پدر وی ویلا دارد، دوراست. جانسون همین هفته گذشته از تعطیلات در اسلوونی بازگشت و از تعطیلات در استراحتگاهی کوهستانی برخوردار شد که به گفته برخی انرژی‌های شفابخش را در دسترس قرار می‌دهد. سخنگوی حزب کارگر انگلیس گفت: براساس شواهد چند ماه گذشته، به نظر می‌رسد چه نخست وزیر در دفتر کار باشد یا در تعطیلات، تفاوت چندانی ندارد. به نظر می‌رسد که جانسون در یک مهمانی بزرگ به سر می‌برد، در حالی که کشور با هزینه بالای بحران زندگی دست به گریبان است. مونیرا ویلسون، عضو حزب دموکرات لیبرال انگلیس نیز گفت که نخست وزیر و دولت زامبی‌اش در هفته‌های اخیر شکست کامل رهبری را به نمایش گذاشته‌اند.



یادداشت

اصرار آمریکا به تنش‌آفرینی در روابط با چین

سعید سبحانی
گروه بین‌الملل

آمریکایی‌ها از اقدامات تنش‌زای خود در روابط با چین دست‌بردار نیستند و چند روز پس از سفر جنجالی نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان، اکنون هیأتی از قانون‌گذاران آمریکایی به رهبری سناتور دموکرات، اد مارکی و چهار قانون‌گذار دیگر مجلس نمایندگان این کشور در حال رایزنی با مقامات تایوانی در این منطقه هستند. چینی‌ها این‌گونه اقدامات آمریکا را در مغایرت با سیاست چین واحد می‌دانند و تاکید دارند واشنگتن با چنین سفرهایی در حال دخالت در امور داخلی چین و نقض حاکمیت و تمامیت ارضی این کشور است و قطعا این اتفاق را بی‌پاسخ نخواهند گذاشت.

البته پکن در این مدت تلاش کرده با صبوری در مقابل رفتار تنش‌زای واشنگتن برخورد کند و رقابت استراتژیک دو کشور را که در هفته‌های اخیر پرتنش شده است، مدیریت کند.

آمریکایی‌ها نیز نشان داده‌اند از گسترش تنش‌ها با چین و کشیده شدن این درگیری‌ها به حوزه نظامی پرهیز دارند اما از رفتار اخیر آنها این‌گونه به نظر می‌رسد که درک دقیق و شفافی از خطوط قرمز استراتژیک چین ندارند؛ شناختی که برای جلوگیری از درگیری ضروری است. درک دقیقی از چنین خطوط قرمز باید در حوزه‌های مهمی مانند تایوان، دریاهای چین جنوبی و شرقی، شبه جزیره کره، فضای سایبری و فضا حاصل شود.

مدیریت این رقابت استراتژیک می‌تواند به تثبیت روابط ایالات متحده و چین در دهه آینده کمک کند، زمانی که رقابت بین دو ابرقدرت با نزدیک شدن به برابری اقتصادی به خطرناک‌ترین مرحله خود می‌رسد. همچنین در آستانه انتخابات میان دوره‌ای ایالات متحده و بیستمین کنگره حزب شی، بهتر است دو کشور به مدیریت این رقابت استراتژیک ادامه دهند تا دوره چالش برانگیز فعلی سپری شود.

با این حال جدیدترین سفر اعضای کنگره به تایوان یک بار دیگر ثابت می‌کند ایالات متحده نمی‌خواهد شاهد ثبات در سراسر تنگه تایوان باشد و از هیچ تلاشی برای ایجاد تقابل بین دو طرف و مداخله در امور داخلی چین دریغ نمی‌کند. حالا باید دید ادامه این روند به کجا می‌انجامد و پکن تا چه زمانی قادر است رفتار تنش‌زای آمریکا را با مدیریت خود کنترل کند.

گفت و گو

گفت‌وگوی اختصاصی «جام جم» با پروفسور جان دان، استاد دانشگاه کمبریج:

استراتژی‌های ضدچینی آمریکا کارایی نداشته است



سفر هیأت ۵ نفره قانونگذاران آمریکایی به تایوان

محمد علیزاده
گروه بین‌الملل

جو بایدن چند ماه پیش، در جمع مدیران کسب‌وکارها در کاخ سفید، وقتی به «نظم‌نوین جهانی» در پی بحران اوکراین اشاره کرد، جنجال برانگیخت. این سخنان بایدن در حالی بود که با افول هژمونی آمریکا از دهه ۱۹۷۰، ایجاد نظم نوین جهانی به دور از محوریت واشنگتن به یک واقعیت تبدیل شده است. به‌راستی ریشه توهمات اخیر مقامات آمریکایی چیست و بازی برمبنای این ایده‌آل‌های ذهنی و غیرواقعی، چه تاثیری بر سرنوشت واشنگتن در نظام بین‌الملل خواهد داشت؟ در این خصوص جام‌جم گفت‌وگویی اختصاصی با پروفسور جان‌دان، تحلیلگر حوزه روابط بین‌الملل صورت داده است. جان دان، استاد کنونی دانشگاه کمبریج انگلستان است. وی سابقه تدریس در دانشگاه هاروارد آمریکا را نیز دارد. او استاد برجسته نظریه و اندیشه سیاسی و صاحب کتاب «انقلاب‌های مدرن» است.

نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا، علی‌رغم هشدارهای چین به تایوان سفر کرد. چرا در این مقطع زمانی آمریکا در تلاش برای تحریک چین است؟

من فکر نمی‌کنم آمریکا اصلا توان و قصدی برای تحریک چین نسبت به انجام عملیات نظامی (در تایوان) داشته باشد. درخصوص سفر نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به چین نکته‌ای وجود دارد که باید آن را مدنظر قرار داد. این‌که دولت بایدن به شدت با دیدار پلوسی مخالف بود، دقیقا به این دلیل که حضور وی در تایوان، پکن را تحریک می‌کرد. این اتفاق دقیقا رخ داد اما رئیس جمهور ایالات متحده هیچ اختیار قانونی بر قوه مقننه (کنگره ایالات متحده) ندارد. این می‌توانست درخصوص بازدید پلوسی از تایوان به او هشدار دهد اما به لحاظ حقوقی نمی‌توانست مانع این اقدام شود.

به نظر می‌رسد این سفر از فصل جدیدی در روابط آمریکا و چین حکایت دارد و حتی نشان‌دهنده تصویری از ایده‌آل‌های آمریکا در جهان برمبنای جنگ و مداخله‌گرایی باشد. به نظر می‌رسد آمریکا درصدد است برای مهار چین، پکن را وارد درگیری‌های ژئوپلتیک کند. نظر شما چیست؟

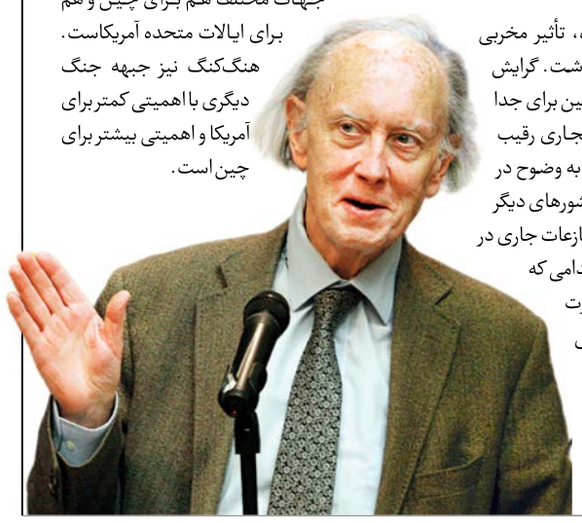
دولت ایالات متحده نمی‌خواهد وارد درگیری‌های ژئوپلتیکی شود اما مایل است از استقلال سیاسی مؤثر تایوان حتی درحالی‌که حاکمیت ملی آن را انکار می‌کند، محافظت نماید. از زمانی که نیکسون بیش از ۵۰ سال پیش از چین بازدید کرد، همان سیاست را در این زمینه داشته است. البته در اینجا نوعی تناقض میان مواضع اعلامی آمریکا درخصوص عدم شناسایی حاکمیت رسمی تایوان و اقدامات اخیر وجود دارد.

تایوان از مهم‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان عمده تراشه‌های الکترونیک است که در تکنولوژی‌های نوین نقش محوری دارد. به گونه‌ای که اگر جنگی میان چین و تایوان رخ دهد، صنایع الکترونیک مرتبط با گوشی تلفن، رایانه و ... فلج خواهد شد. به نظر شما جنگی میان چین و تایوان رخ خواهد داد و اگر چنین شود سرنوشت صنایع های‌تک در سطح جهان چه خواهد شد؟

اگر چین در دو یا سه سال آینده به تایوان حمله کند، به دلیل وابستگی‌اش به تایوان برای عرضه مداوم تراشه‌های بسیار پیچیده، تأثیر مخربی بر اقتصاد جهانی خواهد داشت. گرایش قطعی در ایالات متحده و چین برای جدا کردن جهان به دو بلوک تجاری رقیب وجود دارد. به نظر من این به وضوح در تضاد با منافع تقریبا همه کشورهای دیگر جهان است. در هر حال، منازعات جاری در نظام بین‌الملل و هر گونه اقدامی که جهت تحریک بازیگران صورت می‌گیرد (مانند سفر پلوسی به تایوان) به امنیت نظام بین‌الملل آسیب می‌رساند و بسیاری از بازیگران دیگر را نیز به صورت مستقیم و غیر مستقیم وارد مناقشه خواهد کرد. برخی آثار و تبعات منازعات بین‌المللی بر حوزه اقتصاد و امنیت درجهان، غیر قابل انکار است. حتی بر وضعیت اقلیمی جهان و حوزه محیط زیست.

مقامات آمریکایی در دوران ریاست جمهوری ترامپ یک بار تقابل با چین را به صورت جدی در دستور کار قرار دادند. نتیجه این منازعه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دولت ترامپ در تلاش بود اقتصاد آمریکا به چین وابستگی کمتری داشته باشد و از نوآوری‌های فناوری آمریکا در برابر رقابت چین محافظت کند. همچنین به قول خود تلاش می‌کرد تا قدرت سیاسی و نظامی چین در سراسر آسیای شرقی مهار شود. اما این استراتژی مهار آمریکا به خوبی کار نکرد! هرچند چین هم در این معادله مشکلات خاص خود را بابت شیوع کرونا و مسائلی از این دست داشته و هنوز دارد، اما قطعا استراتژی‌های بازدارنده و مهارکننده آمریکا در قبال چین، حداقل در دوران ترامپ موفق نبود. در هر حال تایوان یک جبهه اصلی جنگ و منبع آسیب‌پذیری از جهات مختلف هم برای چین و هم برای ایالات متحده آمریکاست. هنگ‌کنگ نیز جبهه جنگ دیگری با اهمیتی کمتر برای آمریکا و اهمیتی بیشتر برای چین است.



ذره‌بین

واکنش لبنان به نقض حریم هوایی این کشور توسط اسرائیل



وزارت خارجه لبنان ضمن محکوم کردن استفاده رژیم اشغالگر قدس از آسمان این کشور برای حمله به سوریه اعلام کرد از رژیم اسرائیل به شورای امنیت سازمان ملل شکایت می‌کند.

وزارت خارجه لبنان نسبت به پیامدهای این رفتار تجاوزکارانه و تداوم نقض حاکمیت لبنان که نقض آشکار قوانین و معاهدات بین‌المللی است، هشدار داد و افزود از رژیم صهیونیستی به شورای امنیت سازمان ملل شکایت خواهد کرد و از این نهاد بین‌المللی می‌خواهد به‌طور جدی برای پایان دادن به تجاوزات مداوم این رژیم دخالت کند.

در همین حال سید حسن نصرا...، دبیرکل حزب ا... لبنان در گفت‌وگو با المنار اعلام کرد: مقاومت آماده پاسخ به هرگونه تجاوز اسرائیل علیه لبنان است.

به گزارش خبرگزاری رسمی سوریه، یک منبع نظامی اعلام کرد در ساعت ۲۰ و ۵۰ دقیقه دیروز به وقت محلی، رژیم اشغالگر قدس حمله هوایی از سمت جنوب شرق بیروت به برخی مناطق در حومه دمشق و همزمان حملات دیگری را از سمت دریا به برخی نقاط در جنوب استان طرطوس انجام داد که پدافند هوایی سوریه با این حملات مقابله و برخی اهداف را رهگیری و منهدم کرد.

این منبع افزوده است: بر اثر حملات رژیم صهیونیستی، سه نظامی کشته و سه نفر دیگر زخمی شدند و خسارت‌هایی نیز به وقوع پیوست.

طی هفته‌های گذشته نیز رژیم صهیونیستی مناطقی در جنوب طرطوس را هدف قرار داده بود.

این تجاوزهای هوایی رژیم صهیونیستی در حالی است که دولت سوریه بارها با ارسال نامه به سازمان ملل متحد، این حملات را محکوم و خواستار توقف آن شده است.

گزارش

مشکلات آقای صدراعظم

بزرگ‌ترین کشور اروپا برای سازگاری با دنیای جدید به زمان نیاز دارد

در اواخر جولای ۲۰۲۲، مشخص شد که طرح آلمان برای کمک به متحدان اروپای شرقی خود برای تسلیح اوکراین پیشرفت کمی داشته است. براساس این طرح، کشورهایی مانند لهستان، اسلواکی و جمهوری چک تسلیحات دوران شوروی را که در اختیار نیروهای مسلح‌شان است به کی‌یف می‌رسانند. آلمان نیز به نوبه خود تجهیزات ساخت غرب را برای تکمیل ذخایر آن کشورها انتقال خواهد داد. با این حال، به‌رغم ماه‌ها گفت‌وگو، چنین انتقالی از تسلیحات آلمانی انجام نشده است.



این تنها نمونه از مشکلات برلین در اجرای وعده‌هایش در مورد اوکراین نیست. در اوایل بهار، آلمان متعهد شد که تسلیحات سنگین را مستقیما در اختیار کی‌یف قرار دهد اما تا اواخر جولای، تنها تعداد کمی از این سلاح‌ها تحویل داده شد.

این خلف‌وعده‌ها برای کشورهای اروپایی، نگران‌کننده است زیرا آلمان در حال حاضر از کمبود اعتماد در میان بسیاری از متحدان اروپایی به‌دلیل روابط نزدیک انرژی خود با مسکو و به‌ویژه به‌دلیل امتناع از تعلیق پروژه خط لوله گاز نورداستریم ۲ تا چند روز قبل از شروع تهاجم روسیه رنج می‌برد.

با وجود اینها آلمان در موقعیت مناسبی برای رهبری اروپا در چالش‌های امنیتی گسترده این اتحادیه قرار دارد. آلمان علاوه بر اقتصاد بزرگ و تعهدات عمیق خود به ناتو، بروکسل و اتحاد فراآتلانتیک، رهبر کنونی جی۷ است اما برای استفاده از این فرصت‌ها، دولت آلمان باید بر محدودیت این کشور در استفاده از نیروی نظامی و مقاومت عمیق در برابر تغییر غلبه کند. ناکامی در انجام این کار می‌تواند در درازمدت نه تنها جایگاه آلمان را در اروپا تضعیف کند، بلکه باعث تضعیف اتحاد غربی در زمان چالش‌های جهانی بی‌سابقه می‌شود.

حرف، آسان‌تر از عمل

در مرحله آغازین جنگ روسیه در اوکراین، واکنش آلمان به‌طور قابل توجهی قوی بود. تنها چند روز پس از شروع تهاجم، شولتس با مواضع خود درباره جنگ اوکراین، حتی حزب خود را غافلگیر کرد. وی از تغییرات مهم سیاستی و اقدامات جدید بی‌سابقه، از جمله تحویل تسلیحات به اوکراین و ۱۰۰ میلیارد یورو هزینه دفاعی اضافی خبر داد.

با این حال، اجرای این سیاست‌های جسورانه بسیار چالش‌برانگیز شده است. شولتز نه تنها خواستار تغییر یک شبه رویکرد آلمان در مورد روسیه، از شراکت به رویارویی شد، بلکه تعهدات دفاعی جدیدی نیز اتخاذ کرد که می‌توانست احتمال شلیک تانک‌های ساخت آلمان به سربازان روسی را افزایش دهد. سناریوی کابوس‌وار درگیری مستقیم دو کشور، مخالفت‌های داخلی جدی با برنامه شولتس ایجاد کرد و بسیاری از فعالان سیاسی آلمان، آن را بیش از حد نظامی‌گرایانه خواندند.

پشت تردید آلمان‌ها در مورد دخالت بیشتر در اوکراین، نگرانی‌های امنیتی زیادی وجود دارد. آشکارترین خطر تشدید تنش نظامی از جمله استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی توسط روسیه است. این درحالی است که شولتس هرگز نمی‌خواهد در تاریخ آلمان از او به‌عنوان صدراعظمی یاد شود که پس از جنگ سرد، آلمان را وارد یک رویارویی مستقیم نظامی با روسیه کرد و حتی اگر درگیری نظامی رخ ندهد، به‌دلیل تحویل تسلیحات به کی‌یف، آلمان به اهداف آشکاری برای تشدید تنش‌های احتمالی روسیه تبدیل می‌شود.

در این زمینه دو سؤال بی‌پاسخ مانده است؛ اول این‌که آیا مسکو خط قرمزی در مورد ارسال تسلیحات غربی ـ به‌ویژه آلمان ـ به اوکراین دارد یا خیر. مثلا آیا می‌توان گفت تحویل توپخانه و مهمات غربی به اوکراین از نظر روسیه قابل تحمل است اما در مقابل تحویل هواپیماهای جنگی و تانک‌های غربی به اوکراین، واکنش نشان خواهد داد؟ اگر چنین خط قرمزی وجود داشته باشد، آلمان و متحدان غربی‌اش باید برای عواقب آن آماده باشند. روسیه ممکن است به دنبال انتقام‌جویی باشد؛ به‌عنوان مثال، علیه یک یا چند کشور بالتیک وارد عمل شود یا این‌که کاروان‌های تسلیحاتی غربی را که عازم اوکراین هستند، در حالی که هنوز در قلمرو ناتو هستند هدف حمله قرار دهد. با این حال، اگر اوکراین توانست نیروهای روسیه را از منطقه دونباس بیرون کند که به منزله شکست روسیه است، برخی تحلیلگران آلمانی از خود می‌پرسند که آیا روسیه پس از آن تلاش می‌کند تا جنگ و حملات خود را گسترش دهد.

این سؤال مطرح است که چرا آلمان نسبت به بسیاری از متحدان اروپایی دیگر بیشتر در معرض چنین ترس‌ها و نگرانی‌هایی است؟ شاید یکی از دلایل این ترس‌ها این باشد که هیچ کشور دیگری در اروپا وجود ندارد که تهاجم روسیه به اوکراین، چنین تغییرات اساسی و گسترده‌ای در سیاست آن ایجاد کرده باشد. برای دهه‌ها، سیاست خارجی آلمان براساس اصولی مانند «پرهیز از به‌کارگیری نیروی نظامی» (که توسط جریان‌های صلح‌طلب قابل توجهی در جامعه آلمان پس از جنگ جهانی دوم حمایت می‌شد) بنا شده است اما اکنون برنامه‌های شولتس، آلمان را به یک بخش اساسی در امنیت اروپا تبدیل خواهد کرد.

موضوع دوم به وضعیت ارتش آلمان مربوط می‌شود و دولت آلمان غالبا در این زمینه بلاتکلیف به‌نظر می‌رسد و همین مسأله منجر به تأخیر قابل توجهی در ارسال کمک‌های نظامی ـ به‌ویژه تسلیحات سنگین ـ به اوکراین شده است.

در همین حال، اتکای مداوم آلمان به واردات گاز روسیه به یک نقطه اختلاف فزاینده بین برلین و برخی از متحدان اروپایی‌اش تبدیل شده است. اکنون مشخص است که کرملین می‌تواند از این وابستگی علیه آلمان و سایر کشورها استفاده کند، بنابراین جدا کردن آلمان از گاز روسیه، یکی از اولویت‌های اصلی دولت آلمان است اما دولت آلمان همچنین با چالش جدی افزایش سریع قیمت گاز و تهدید کمبود گاز با نزدیک شدن به فصل زمستان مواجه است. در نتیجه، حتی سبزهای ضدهسته‌ای هم اکنون در یک بحث سیاسی در مورد این‌که آیا و چگونه عمر سه نیروگاه هسته‌ای باقی‌مانده آلمان را افزایش دهند، شرکت می‌کنند.

به نظر می‌رسد که دولت شولتس امیدوار است که شرکا و متحدانش اهمیت تغییر سیاسی کشور را درک کنند و به برلین آزادی عمل لازم برای مدیریت این مسائل پیچیده را بدهند اما تأخیر بیشتر آلمان در مورد تحولات این روزهای اروپا می‌تواند موقعیت آلمان را در اروپا و همچنین منافع خود آلمان را تضعیف کند.

مکث

چالش‌های آلمان

آلمان به یک‌باره با چالش‌های زیادی مواجه شده است. این کشور با جدی‌ترین بحران امنیتی اروپا در دهه‌های اخیر مواجه است. این کشور همچنین با بحران اعتماد مواجه است که در آن بسیاری از دولت‌های اروپایی در مورد آمادگی آلمان برای ایستادگی در برابر بحران‌های اخیر تردید دارند. از سوی دیگر دیپلماسی اقتصادی سنتی آلمان در حال فروپاشی است. مبنای این دیپلماسی اقتصادی سنتی بر ایجاد رفاه از طریق صادرات کالا و واردات انرژی و در عین حال برون‌سپاری امنیت استوار است. آلمان همچنین با بحران اتحادیه اروپا مواجه است که علی‌رغم اندازه و قدرت اقتصادی خود نتوانسته خود را به‌عنوان یک بازیگر مستقل بین‌المللی که قادر به دفاع و پیشبرد منافع امنیتی خود باشد تعریف کند.

با این حال آلمان یک فرصت غیرعادی دارد و آن این‌که در گروه جی۷، آلمان شاید تنها کشوری باشد که کمترین دخالت غرب در مداخلات نظامی در خاورمیانه و جاهای دیگر را داشته است. اگر آلمان بتواند برنامه اولاف شولتس، صدراعظم را سرو سامان دهد و به‌جای چسبیدن به وضعیت موجود، تغییرات را بپذیرد، می‌تواند به ارائه رهبری که در اتحادیه اروپا به شدت مورد نیاز است، کمک کند.